

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فاطمة وَاٰلِهَا وَرَجُلِهَا وَبَارِكْ وَسَلِّمْ وَارْحَمْهُمْ وَارْحَمْ اَبْنَاءَ الْاُمَّةِ فِيهَا رَجُلٌ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ



موضوع

رمز بندگی در کلام فاطمی

وتوصیه می رانی رب قدر چیست؟

چه بنویسم از آن بی ابتدا، بی انتها، زهرا
ازل زهرا، ابد زهرا، قدر زهرا، قضا زهرا
شگفتا فاطمه! یا للعجب! و احیرتا! زهرا
چه می فهمم من از زهرا و ما ادراک ما زهرا

اِنَّكَ مَا اَلَا تَقْدِرُ



۱۲۳۴

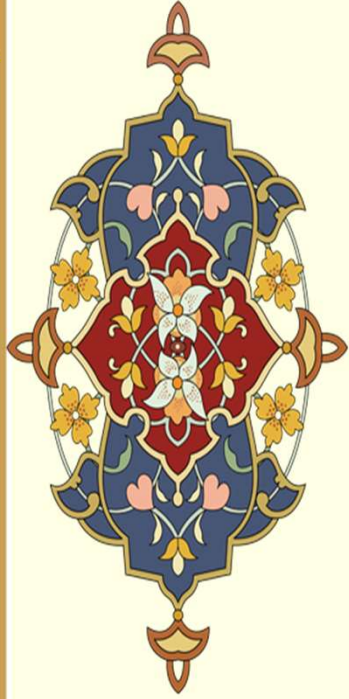
@almenhaj
@almenhajGroup
@almenhaj

سخنرانی جناب آقای محمد حسین رحیمی

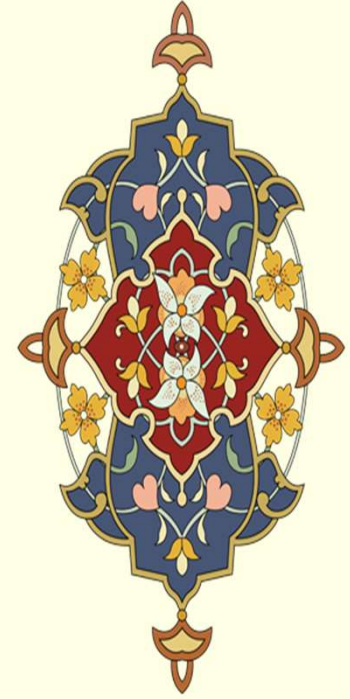
www.almenhaj.com

لِكُلِّكُمْ كَلِمَةٌ





بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



(اللَّهُمَّ أَعُوذُ بِكَ)

(خداوندا! به تو پناه می‌برم از این که)

(أَنْ أَضِلَّ أَوْ أُضَلَّ)

(گمراه کنم یا گمراه شوم)

(أَوْ أَزِلَّ أَوْ أُزَلَ)

(بلغزانم یا لغزانده شوم)

(أَوْ أَظْلِمَ أَوْ أَظْلَمَ)

(ظلم کنم یا به من ظلم شود)

(أَوْ أَجْهَلَ أَوْ يُجْهَلَ عَلَيَّ)

(به جهل بکشانم)

(یا به جهل کشیده شوم)

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الصَّديقَةِ؛
 فَاطِمَةَ الزَّكِيَّةِ؛
 حَبِيبَةَ حَبِيبِكَ وَ نَبِيِّكَ؛
 وَ أُمَّ أَحِبَّائِكَ وَ أَصْفِيائِكَ؛
 الَّتِي انْتَجَبْتَهَا وَ فَضَّلْتَهَا وَ اخْتَرْتَهَا
 عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ.

آن بانویی که تاج شفاعت به دست اوست
هر تار و پود عالم هستی ز هست اوست

آن را که حق به سورهٔ کوثر ستوده است
در شأن وی هر آنچه بگویم شکست اوست

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

(هِيَ الصَّدِيقَةُ الْكُبْرَى)

(وَ عَلَى مَعْرِفَتِهَا دَارَتِ الْقُرُونُ الْأُولَى)

امام صادق علیه السلام فرمودند:

ایشان صدیقه‌ی کبری است و بر محور معرفت او

تاریخ گذشته شکل گرفته است.

سخن آغازین



یکی از درخواستهای مهمی که هر مسلمان،
در طول روز به نحو و جوب،
و به دستور خداوند تعالی،
در نماز از حق تعالی می‌کند:
هدایت به (صراط مستقیم) است:

(اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ)



اگر از قرآن کریم سوال کنیم:

(صراط مستقیم)

کدام جاده و کدام مسیر است؟
قرآن کریم به ما پاسخ می‌دهد:

(وَ أَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ)

(سوره یس آیه ی 36)

(وَ أَنْ اَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ)

(صراط مستقیم) را به (عبودیت) تفسیر می کند.

(صراط مستقیم) = (عبودیت)

وقتی به سخنانی که قرآن کریم از انبیاء الهی،
در خطاب با قومشان نقل می‌کند توجه می‌کنیم،
به یک **(جمله‌ی مشترک)**، برخورد می‌کنیم؛
این **(جمله‌ی مشترک)**، در غالب موارد،
اولین جمله‌ی دستور العمل این بزرگواران بوده است:

(أَعْبُدُوا اللَّهَ)

به چند مورد از این بیانات توجه فرمایید!



(قَالَ الْمَسِيحُ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ)
(سورهی مائده: آیه ۷۲)

(لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ)
(سورهی اعراف: آیه ۵۹)

(وَإِلَى عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ)
(سورهی اعراف: آیه ۶۵)



(وَ إِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحاً قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ)
(سورهی اعراف: آیه 72)

(وَ إِلَى مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْباً قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ)
(سورهی اعراف: آیه 85)

(وَ إِبْرَاهِيمَ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اتَّقُوهُ)
(سورهی عنکبوت: آیه 16)

و در یک بیان جامع، از محتوای دعوت رسولان،
در اولین جمله،

بعثت تمامی انبیاء را **(اعْبُدُوا اللَّهَ)**، بیان می‌کند:

(وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا)
(أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ)
(فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ)
(فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ)
(سوره‌ی نحل: آیه 36)

از طرف دیگر قرآن کریم،

(عبودیت) را به عنوان

هدف خلقت جن و انس معرفی می‌کند:

(وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ)

(سوره‌ی الذاریات آیه‌ی 51)

ما در مباحث سابق، به نحو تفصیل،
درباره‌ی **(عبودیت)** صحبت کردیم و گفتیم:

حق تعالی **(مالک حقیقی)** تمام عالم است.
(قوام و هستی) تمام عالم،
به حق تعالی وابسته است.

کسی که معتقد است:

حق تعالی **(مالک حقیقی)** تمام عالم است،
و **(قوام و هستی)** تمام عالم،
به حق تعالی وابسته است.

خود و تمام عالم را **(مالک)** هیچ چیز نمی بیند.
برای خویشتن **(تدبیر)** نمی کند.
و تمام مشغولیت او،
(پرداختن به امر و نهی الله تعالی) است.



و انبیا اینگونه با کاشتن
(کلمه‌ی طیبه‌ی **أَعْبُدُوا اللَّهَ**)،

قوم خود را هدایت و تربیت می‌کردند.

حال در این بخش از گفتار درباره‌ی **(عبودیت)**،
 قصد ما این است که از دریچه‌ای دیگر،
 به امر **(عبودیت)**، یا **(صراطِ مُسْتَقِیم)** که:

در طول روز ده مرتبه،
 از خداوند آن را درخواست می‌کنیم، بپردازیم.

(اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِیم)



برای دسترسی پیدا کردن،
به مرتبه‌های دیگر از این بحث،
ابتدا یک چالش را طرح می‌کنیم:

غایت **(عبودیت)** یا **(صراط مُسْتَقِیم)** چیست؟

یا به تعبیر دیگر:

(عبودیت) انسان را به چه مسیری هدایت می‌کند،

و نتایج طی کردن **(صراط عبودیت)** چیست؟

قرآن کریم در پاسخ به چالش
(عبودیت) انسان را به چه مسیری هدایت می‌کند،
 و نتایج طی کردن **(صراط عبودیت)** چیست؟
 می‌فرماید:

(وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ)

(سوره‌ی حجر آیه‌ی 15)

در زبان عربی کلمه‌ی
(حَتَّى) برای (غایت) است.

پیام (وَ اعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّى يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ)

این است که:

(غایت و هدف عبودیت یقین است)

برای روشن شدن معنای این جمله که:

(غایت و هدف عبودیت **یقین** است)

به شرح معنای (**یقین**) توجه فرمایید!

شرح معنای یقین

التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ج 14، ص: 263
در شرح معنای (یقین) می گوید:

(الیقین) هو العلم الثابت فی النفس،
بحیث لا یقبل الشک،
و فیہ سکون للنفس و طمانینة.

(یقین) علم ثابت در نفس است،
به گونه‌ای که شک را قبول نمی‌کند،
و نفس در (هنگام قرار گرفتن در فضای یقین)،
آرامش و طمانیه دارد.



حال چالش اساسی این است که:

علم ثابتی که شک را قبول نمی‌کند،
و آرامش و طمأنیه به دنبال دارد،
چه علمی است و چگونه حاصل می‌شود؟

برای دسترسی به پاسخ این چالش،
لازم است نگاهی به:

(نحوه‌ی تبدیل علم به یقین)

در سیر طبیعی انسان بیاندازیم.



سیر انسان

در چرخه‌ی علم و عمل

انسان در سیر طبیعی خود،
که دست خلقت برای او فراهم کرده،
همواره به این ترتیب عمل می‌کند که:

ابتدا در قدم آغازین حرکت،
اولین قدمی را که برمی‌دارد کسب (علم) است.

در قدم بعد،

اگر **(علم)** را به مرحله‌ی **(عمل)** برساند:

موجب شکوفایی **(علم)**، و رفتن آن به:
مرحله‌ای دیگر، با کیفیتی دیگر می‌گردد.

(علم) در چرخه‌ی (عمل)،
به (علم با کیفیت دیگر)، تبدیل می‌شود.

(علم با کیفیت دیگر)،
همان (علم)، سابق است؛
فقط در اثر (تکرار عمل)، از:
(اضطراب) به (آرامش و سکون)
و از (شک) به (یقین) تبدیل شده است.

سیر در چرخه‌ی (علم و عمل)،
تا جایی ادامه پیدا می‌کند که:

(علم) ثابت شده، شک را قبول نمی‌کند،
و آرامش و طمأنیه به دنبال می‌آورد؛

و این، همان تعریف (یقین) است.



رابطه‌ی عبودیت و یقین



دقت کنید!

پیام (وَ اعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ)

این است که:

(غایت و هدف عبودیت **یقین** است)

و (یقین)

(علمی) است که در چرخه‌ی (علم و عمل)،

ثابت شده، شک را قبول نمی‌کند،

و آرامش و طمأنیه به دنبال می‌آورد.

در نتیجه:

(عبودیت) همان چرخه‌ی (علم و عمل) است.



(عبودیت)

همان چرخه‌ی (علم و عمل) است.
که (یقین) را به دنبال می‌آورد.

و (یقین)

(یک نحوه ادراک)

یا (یک نحوه نگرش به زندگی) است.

و از آن جایی که:

(**غایت و هدف عبودیت یقین است**)

و (**یقین، یک نحوه ادراک**)

یا (**یک نحوه نگرش به زندگی**) است،

هدف تمامی دستورات دینی، تاثیر گذاری بر:

(**نحوه‌ی ادراک یا نحوه نگرش به زندگی**) است.



به این بیان نورانی امام صادق علیه السلام
در (الكافي (ط - دارالحدیث)، ج 3، ص: 150)
توجه کنید!

(إِنَّ الْعَمَلَ الدَّائِمَ القَلِيلَ عَلَى اليَقِينِ أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ)
(مِنَ الْعَمَلِ الكَثِيرِ عَلَى غَيْرِ يَقِينٍ)

در نزد الله تعالی،

(عمل دائم اندکی) که بر اساس (یقین) انجام می شود،

از عمل فراوانی که بدون (یقین) صورت می گیرد،

برتر است.

یکی از اسرار موجود در این کلام نورانی این است که:

(عمل دائم) در (چرخه‌ی علم و عمل)
به (یقین) منتهی می‌شود.

از آنجا که هدف عمل (یقین) است؛
(عمل کثیر غیر دائم) ارزش ندارد چون حاصلی ندارد.

و اصولاً

(عمل صرف) در نزد خداوند ارزشی ندارد،

تا وقتی که به (یقین) منتهی نشود.

مطابق این بیان نورانی امام صادق علیه السلام،
آنچه در نزد الله تعالی، دارای ارزش است:

(عملی) است که به (یقین) منتهی شود.

و (یقین)

(نحوه‌ی ادراک یا نحوه نگرش به زندگی) است.

این کلام عجیب که:

هدف تمامی دستورات دینی، تاثیر گذاری بر:
(**نحوه‌ی ادراک** یا **نحوه نگرش به زندگی**) است؛

نتایج شگفت‌انگیزی را به دنبال دارد،
که در فصل بعدی گفتار، به آن خواهیم پرداخت.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ
وَ صَلِّ عَلَى ابْتُولِ الطَّاهِرَةِ الصَّادِقَةِ الْمَعْصُومَةِ
التَّقِيَّةِ النَّقِيَّةِ الرَّضِيِّةِ الزَّكِيَّةِ الرَّشِيدَةِ
الْمَظْلُومَةِ الْمَقْهُورَةِ
الْمَغْصُوبَةِ حَقِّهَا
الْمَمْنُوعَةِ إِرْتِثِهَا الْمَكْسُورَةِ ضِلْعُهَا
الْمَظْلُومِ بَعْلُهَا الْمَقْتُولِ وَلَدُهَا
فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِكَ وَ بَضْعَةَ لَحْمِهِ وَ صَمِيمِ قَلْبِهِ.



سلام ما سلام ما به چهره ی کبود تو

سلام ما سلام ما به قامت خمیده ات

سلام ما سلام ما به محسن شهید تو

سلام ما سلام ما به پهلوی شکسته ات

سلام ما سلام ما به ناله های شوهرت

سلام ما سلام ما به آخرین نماز تو

سلام سلام ما به خون زخم سینه ات

سلام ما سلام ما به قبر بی چراغ تو

سلام ما سلام ما به رحمت و به جود تو

سلام ما سلام ما به قلب داغ دیده ات

سلام ما سلام ما به طفل ناامید تو

سلام ما سلام ما به چهره ی خجسته ات

سلام ما سلام ما به گریه های دخترت

سلام ما سلام ما به نغمه ی حجاز تو

سلام ما سلام ما به صحنه ی مدینه ات

سلام ما سلام ما به قلب پر ز داغ تو

